[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

میرِ کرمانی و شیوهٔ غزل‌سرایی او

زهره احمدی‌پور اناری*
حمیدرضا خوارزمی**

چکیده

میر کرمانی از شاعران همعصر خواجوی کرمانی است که مجموعهٔ کامل اشعار او از روی نسخه‌ای دستنویس متعلق به سعید نفیسی منتشر شده است. اشعار او، با وجود نغزبودن و انباشتگی از معنا، به‌دلایلی، ناشناخته مانده است. در این مقاله، که از نوع کتابخانه‌ای است و با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است، این شاعر کرمانی معرفی شده و غزل‌های او از دیدگاه آوایی، زبانی، فکری و ادبی بررسی شده است. بررسی جنبه‌های گوناگون غزل میر نشان داد که غزل‌های بدون ردیف او نسبت به شاعران هم‌دوره‌اش بیشتر است، اما ردیف‌های اسمی در غزل او درخور توجه است. انواع آرایه‌های لفظی ازجمله جناس و موازنه نیز در شعر او فراوان دیده می‌شود. غزل‌ها زبانی روان دارد، اما گاهی صنعت‌گرایی و توجه به زیباسازی الفاظ ابیات او را مصنوع ساخته است. درون‌مایهٔ غزل میر عاشقانه است و شاعر بیشتر به وصف‌های عاشقانه پرداخته است. از میان صور خیال، تشبیه در شعر او کاربرد فراوان دارد، اما استعاره کمتر دیده می‌شود و سهم استعاره‌های تازه در غزل‌های او بسیار ناچیز است. تلمیح و استعاره، که از ابزارهای ایجازند، در غزل میر کمتر دیده می‌شود. به‌طورکلی، تمرکز شاعر بیشتر بر مضمون‌گرایی است.

کلیدواژه‌ها: میر کرمانی، غزل، سبک، زبان، درون‌مایهٔ شعر.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان (نویسندهٔ مسئول) ahmadypoor@yahoo.com
** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان hamidrezakharazmi@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۳
فصلنامهٔ مطالعات و تحقیقات ادبی، سال ۱۲، شمارهٔ ۲ (پیاپی ۲۰)، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۹-۷

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

Mir-e Kermani and His Style of Lyric (Ghazal) Composing

Zohre Ahmadypoor Anari*
Hamid Reza Kharazmi**

Abstract

Mir Kermani was one of the contemporary poets of Khwaju Kermani, whose complete collection of poems were published based on a manuscript copy belonging to Saeed Nafisi. His poems, despite being rich and full of meaning, have remained unknown for some reason. In this library research article, using the descriptive-analytical method, the Kermani poet was introduced, and his lyrics were studied from phonetic, linguistic, intellectual, and literary perspectives. Investigating the different aspects of Mir's lyrics indicated that his lyrics lacking monorhymes were more compared to his contemporary poets, but the nominal monorhymes were considerable in his lyrics. Various types of literal arrays such as pun and balance were abundant in his poetry. The lyric poems had a fluent language, but occasional over-attention to figures of speech and the aesthetics of the words made his verses artificial. The motif of Mir's lyrics was romantic, and the poet mostly used lovely descriptions of the beloved. Among the forms of imagery, simile was abundantly used in his poetry, while metaphors could rarely be seen and the share of novel metaphors in his lyrics was very small. Allusion and metaphor, the devices of brevity were rarely seen in Mir's lyrics. Generally, the poet mostly focused on thematic concepts.

Keywords: Mir-e-Kermani, Lyric (Ghazal), Style, Language, Poetry Motif.

* Assistant Professor in Persian Language and Literature at Farhangian University, (Corresponding Author) *ahmadypoor@yahoo.com*

** Associate Professor in Persian Language and Literature Shahid Bahonar University, Kerman, *hamidrezakharazmi@uk.ac.ir*

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

۱. مقدمه

میرکرمانی از شاعران قرن هشتم است که دیوان او به‌تازگی منتشر شده و لازم است به محققان ادب فارسی معرفی شود. «میر کرمانی به‌همراه خواجو و عماد فقیه یکی از سه ضلع مثلث شعر کرمان در قرن هشتم هجری است، اما بخت او به‌اندازهٔ آن‌دو شاعر مساعد نبود و از دیوانش نسخه‌های متعدد استنساخ و منتشر نشد» (میرافضلی، ۱۳۸۶: ۴۰۲). تولد این شاعر کرمانی را سال ۶۸۶ و وفات او را بین سال‌های ۷۵۶ تا ۷۶۳ دانسته‌اند. کلیات میرکرمانی ۷۲۰۱ بیت دارد و شامل دو مثنوی به نام «درج اللّئالی» و «مجمع اللّطائف» و نیز مجموعه‌ای از قصیده، غزل، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، رباعی و مفردات است. میر کرمانی در سرودن قصیده و غزل توانمندی خود را نشان داده است (قنبری ننیز، ۱۳۹۷). قدیم‌ترین منبعی که به میر کرمانی اشاره کرده، *تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی* است. دولتشاه دربارهٔ میر به‌اختصار گفته است: «شاعری خوشگوی است و معاصر خواجو بوده و غزل را نیکو می‌گوید» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۸: ۱۹۰). با توجه به تاریخ ولادت و وفات شاعر کرمانی، دورهٔ زندگی میر میانهٔ عهد خواجو و حافظ بوده است.

۱. ۱. بیان مسئله و پرسش‌های تحقیق

برای بررسی غزل میر کرمانی جنبه‌های مختلف غزلیات بررسی شد. در بررسی غزل میر، دو معیار در نظر گرفته شد: ۱. توجه به بسامد و تکرار: برای شناسایی وزن و قافیه و ردیف، تمام غزل‌های میر در آمارگیری در نظر گرفته شد. دربارهٔ بسامد تشبیه و استعارهٔ مصرحه، ۱۰۰ غزل بررسی شد و در بخش‌های دیگر به تکرار یک ویژگی توجه شد. ۲. غزل میر با غزل سعدی (در جایگاه شاعر پیشرو میر) و غزل حافظ (به‌منزلهٔ شاعر معاصر) مقایسه شد. پژوهش حاضر بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: غزل میر کرمانی چه جایگاهی در شعر قرن هشتم دارد؟ مضامین اصلی غزل میر کرمانی چیست؟ در کدام‌یک از جنبه‌های بلاغی غزل میر کرمانی نوآوری دیده می‌شود؟

۱. ۲. اهداف و ضرورت تحقیق

با توجه به آنکه *کلیات میر کرمانی* به‌تازگی منتشر شده است، نقد و بررسی آن ضروری به‌نظر می‌رسد؛ زیرا نقد غزل‌های او، در معرفی این شاعر گمنام کرمانی مؤثر خواهد بود. نیز، ازآنجاکه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

روشن‌شدن جنبه‌های مختلف شعر راه‌های ارتباطِ خواننده را با متن می‌گشاید، معرفی شیوهٔ غزل‌سرایی میر جایگاه این شاعر کرمانی را در حوزهٔ غزل روشن خواهد کرد.

۱. ۳. پیشینهٔ تحقیق

سعید نفیسی در *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی* (نفیسی، ۲/۱۳۶۳: ۲۰۹) و ذبیح‌اللـه صفا در *تاریخ ادبیات در ایران* (صفا، ۳۲/۱۳۶۸: ۱۰۴۰) از این شاعر کرمانی یاد کرده‌اند. اما جامع‌ترین پژوهش دربارهٔ میر متعلق به سیدعلی میرافضلی است. میرافضلی در کتاب *شاعران قدیم کرمان* به معرفی میر کرمانی و جایگاه او پرداخته است. میرافضلی در سال ۱۳۹۵ هم در *دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی* مدخل «میر کرمانی» را به‌صورت منسجم و گویا با اطلاعات موجود نگاشت. جواد بشری در *آینه میراث* (۱۳۸۸)، در مقالهٔ «اشعار نویافته از میر کرمانی» سعی کرده است اطلاعات درخور و مفیدی را از اشعار میر کرمانی به‌دست دهد. در سال ۱۳۹۷، وحید قنبری *کلیات میر کرمانی* را با مقدمهٔ نسبتاً مفصلی منتشر کرد، اما تاکنون تحقیق و پژوهشی دربارهٔ اشعار میر کرمانی، به‌ویژه غزل‌های او، انجام نشده است.

۲. شیوهٔ غزل‌سرایی میر کرمانی

در قرن هفتم و هشتم، غزل فارسی، اعم از غزل عاشقانه و عارفانه، راه پیشرفت می‌سپرد. «گویندگان قرن ششم مانند انوری و جمال‌الدین اصفهانی جنبهٔ لفظی غزل و دستهٔ دیگر مانند سنایی و عطار و خاقانی و نظامی جنبهٔ معنوی غزل را بالا بردند» تا اینکه «از تکامل جنبهٔ معنوی مولوی و از تکامل جنبهٔ لفظی سعدی به‌وجود آمد» (مؤتمن، ۱۳۵۵: ۲۶۹). در ادامهٔ این جریان، لطافت عرفانی غزل مولوی با لطف و روانی غزل سعدی درآمیخت و «ستارهٔ فروزان غزل، حافظ شیرازی، در آسمان ادبیات ایران طالع گردید» (همان، ۲۷۰). درآمیختن غزل عاشقانه و عارفانه سبب شد تا افکار عالی عرفانی و نکات عمیق حکمی و تفکرات شاعرانه با زبان لطیف و الفاظ دقیق غزل‌سرایان همراه شود (صفا، ۳/۱۳۷۱: ۳۲۳). افزون‌بر تکامل محتوا و الفاظ، یکی از مشخصات چشمگیر غزل در این قرون، به‌کارگرفتن ترکیب‌های جدید و اضافه‌های استعاری و اقترانی و انواع مجاز و کنایه‌های دلنشین است (صبور، ۱۳۸۴: ۵۳۳) که سطح ادبی غزل را به اوج رسانده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

در قرن هفتم و هشتم، غزل‌سرایان مهمی ظهور کردند که تحت تأثیر سه غزل‌سرای بزرگ، سعدی و مولوی و حافظ، اهمیت و اعتبار کافی را به‌دست نیاوردند؛ ازجمله همام تبریزی، امیرخسرو دهلوی، اوحدی مراغه‌ای و خواجوی کرمانی. در کنار این غزل‌سرایان بزرگ، دیار کرمان در قرن هشتم شاعر دیگری نیز در خود پرورد: میر کرمانی. میر کرمانی از سخنوران قرن هشتم کرمان بود که در زمان سلطان اویس جلایر می‌زیست و در زمان خود شهرت بسیار داشت. نامش محمد و لقبش بهاءالدین و تخلصش میر بود که در پایان همهٔ غزل‌ها و بعضی از قصاید و قطعات آمده است. او از بزرگان کرمان بود. چنان‌که از کلیات میر برمی‌آید، پیشه‌ای جز شاعری نداشته است. میر بخشی از عمر خود را در دربار ایلخانان و بیشتر آن را در خدمت حکام و وزیران و امیران آل‌مظفر سپری کرده است. میر کرمانی در قالب قصیده و مثنوی و غزل طبع‌آزمایی کرده است. به‌نظر می‌رسد میر کرمانی در سرودن غزل تحت تأثیر سعدی است (میرافضلی، ۱۳۸۶: ۲۷). در این مقاله غزل‌های میر بررسی می‌شود که از موفق‌ترین اشعار او شمرده شده است.

۲. ۱. سطح آوایی

موسیقی شعر را به چند دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. موسیقی بیرونی شعر: وزن عروضی؛ ۲. موسیقی کناری شعر: قافیه و ردیف؛ ۳. موسیقی درونی شعر: انواع جناس‌ها؛ ۴. موسیقی معنوی شعر: تضاد، ایهام، مراعات‌نظیر (ر.ک: شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۱-۳۹۳). ابتدا، موسیقی بیرونی غزل‌های میر بررسی می‌شود.

۲. ۱. ۱. وزن

وزن مهم‌ترین و مؤثرترین عامل موسیقایی شعر است و ارتباط تنگاتنگی با تخیل دارد و باعث تهییج عواطف می‌شود (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۴۷). بررسی وزن غزل‌های میر کرمانی نشان می‌دهد که کمیت و کیفیت اوزان غزل‌های میر، در مواردی شبیه وزن غزل حافظ یا نزدیک به آن است، اما تفاوت‌هایی هم دارد. در جدول زیر، وزن غزل‌های میر کرمانی با وزن غزل سعدی (ر.ک: خطیب‌رهبر، ۱۳۷۲) و وزن غزل حافظ (ر.ک: فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۰۱-۲۱۷) مقایسه شده است:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

جدول ۱. اوزان عروضی در غزل‌های سعدی، حافظ و میر کرمانی

وزن	درصد کاربرد وزن در غزل سعدی	درصد کاربرد وزن در غزل میر	درصد کاربرد وزن در غزل حافظ
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن	۱۶/۲۸	۲۳/۵	۲۳/۹۹
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	۱۴/۹۸	۱۵/۳	۲۷/۴۵
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	۱۰/۵۱	۱۷/۰۶	۱۴/۷۷
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۷/۲۰	۱۱/۰۵	۶/۵۲
فاعلاتن مفاعلن فعلن	۵/۴۷	۰/۹۶	۱/۷۳
مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۵/۳۳	۵/۷	۳/۴۵
مفعول مفاعلن فعولن	۵/۱۹	۱/۹۲	۰/۵۷
مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۴/۹۰	۳/۱۲	۴/۸۰
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۴/۰۳	۰/۹۶	۴/۸۰
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۳/۱۷	۱/۴۴	۱/۷۳
فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	۳/۰۲	۱/۲۰	۰/۷۷
مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	۳/۰۲	۴/۸۰	۴/۰۳
مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۲/۷۴	۱/۶۸	۰/۳۸
مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن	۲/۵۹	۰/۹۶	۱/۱۵
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن	۱/۸۷	۱/۹۲	۰/۵۷
مستفعلن‌مستفعلن‌مستفعلن‌مستفعلن	۱/۷۲	۰/۹۶	۰/۳۸
مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۱/۷۳	۱/۹۲	۰/۹۵
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن	۱/۵۸	۰/۴۸	ـــــ
مفتعلن فاعلات مفتعلن فع	۱/۳۰	ـــــ	۰/۵۷
مفتعلن مفتعلن فاعلن	۱/۳۰	۰/۹۶	۰/۱۹
فاعلاتن‌فاعلاتن‌فاعلاتن فاعلاتن	۰/۴۳	ـــــ	ـــــ
مفعول مفاعلن مفاعیلن	۰/۴۳	ـــــ	ـــــ
فعلاتن فعلاتن فعلن	۰/۲۸	ـــــ	ـــــ
فعولن فعولن فعولن فعل	۰/۴۳	۱/۹۲	۰/۱۹
فعولن فعولن فعولن فعولن	۰/۱۴	۱/۲۰	۰/۱۹
مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن	۰/۱۴	ـــــ	ـــــ
فعلاتن مفاعلن فعلن	ـــ	۰/۹۶	۱/۷۳
مستفعلاتن مستفعلاتن	ـــــ	ـــــ	۰/۵۷

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

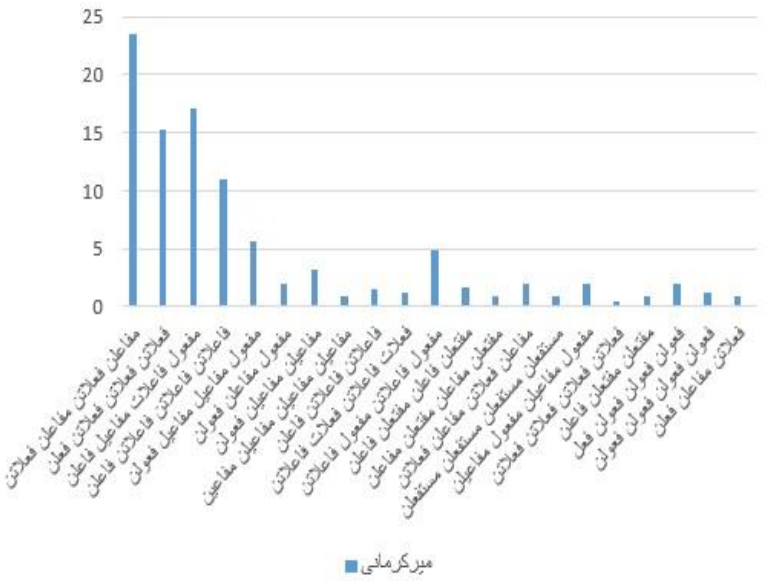

چنان‌که ملاحظه می‌شود، پرکاربردترین وزن در غزل میر کرمانی «مفاعلن فعلاتن» است که شاعر بیش از ۲۳ درصد از غزل‌های خود را در این وزن سروده است. درصد کاربرد این وزن در غزل میر کرمانی و حافظ برابر است؛ زیرا این وزن که از قرن هفتم در غزل رواج یافته بود، از نیمهٔ اول قرن هشتم تا قرن دهم در ترقی و تنزل بود (ناتل‌خانلری، ۱۳۳۷: ۱۸۷). میر کرمانی حدود ۱۵ درصد غزل‌هایش را در وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» سروده است که این درصد مطابق میانگین کاربرد آن در غزل سعدی است، درحالی‌که میانگین کاربرد آن در غزل حافظ بیشتر است. میر از وزن شاد و نشاط‌آور «فعلاتن، فعلاتن، فعلاتن، فعلن» کمتر از حافظ، و از وزن سنگین «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» بیش از حافظ استفاده کرده است. کاربرد دو وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» در غزل میر بسیار بیشتر از کاربرد این وزن در غزل سعدی و حافظ است. وزن فاعلاتن برای بیان مطالب عرفانی و پندآمیز بسیار مناسب است (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۷: ۷۵). بسیاری از غزل‌های میر کرمانی هم که با این وزن سروده شده پندآمیز و عرفانی است. وزن «مفعول

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

فاعلات مفاعیل فاعلن» به قولی از «اوزان جویباری» است و در آن آهنگ مستمر ملایمی شنیده می‌شود (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۶). میر کرمانی از این وزن ملایم برای سرودن پرکاربردترین مضمون شعرش، یعنی وصف معشوق، استفاده کرده است. اصولاً، غزل‌های میر کرمانی صحنهٔ هیجان‌های شاعر نیست، بلکه روایت آرام و بدون هیجان عشق است.

۲. ۱. ۲. قافیه و ردیف

تعدادی از غزل‌های میر نظیره‌سرایی است و بر وزن و قافیه (و ردیف) غزل شاعران دیگر ازجمله سعدی و خواجو سروده شده است، مانند:

گرکسی سرو شنیده است که رفته‌ست این است یا صنوبر که بناگوش و برش سیمین است
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

آنکه رحمت نکند بر منِ بیدل این است و آنکه نشکیبد از او جانِ منِ مسکین است
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۲۶)

نمونه‌های بیشتر استقبال میر از وزن و قافیهٔ غزل سعدی (میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۵، ۲۰۲، ۲۲۵، ۲۳۹، ۲۵۲، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۹، ۳۰۱، ۳۱۰). میر کرمانی از غزل‌های خواجوی کرمانی نیز در موارد متعدد استقبال کرده است (همان، ۳۰۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۹۷، ۳۲۳). تعدادی از غزل‌های میر کرمانی از نظر وزن و ردیف با غزل سرمشق خود یکسان است، اما قافیهٔ متفاوتی دارد:

اتفاقم به سر کوی کسی افتاده‌ست که خر و بار در آن کوی بسی افتاده‌ست
(سعدی، ۱۳۸۵: ۴۰)

صیت حسن تو در اطراف جهان افتاده‌ست و آتش عشق تو در پیر و جوان افتاده‌ست
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۲۵)

ساعتی کز درم آن سرو روان بازآمد راست گویی به تن مرده روان بازآمد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۳۰۸)

آخر آن سرو خرامان به چمن بازآمد آخر آن جان ز تن رفته به تن بازآمد
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۶)

درصد غزل‌های بی‌ردیف میر بیش از غزل سعدی و حافظ است. میانگین غزل‌های بی‌ردیف سعدی ۶/۴ درصد و میانگین غزل‌های بی‌ردیف حافظ ۷/۴ درصد است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۵۷)، اما درصد غزل‌های بی‌ردیف میر بیش از ۴۲ درصد است:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

جدول ۲. غزل‌های بدون ردیف

سعدی	حافظ	خواجو	میر کرمانی
۶/۴	۷/۴	۳۶/۴	۴۲/۷

یکی از دلایل کم‌بودن هیجان در غزل میر آن است که از تمام ظرفیت موسیقی ردیف بهره نبرده است. وجود ردیف‌هایی چون «نمک»، «مشک» و «در آب» در شعر خواجو و میر نشان می‌دهد که این‌دو شاعر کرمانی مضمون‌گرا هستند و با چنین ردیف‌هایی، به مضمون‌پردازی در غزل پرداخته‌اند:

ای خط سبز تو همچون برگ نیلوفر در آب قند مصر از شور یاقوت تو چون شکر در آب
(خواجوی کرمانی، ۱۳۸۹: ۴۰)

جانا نظیر خویش نبینی مگر در آب در آب کن نظر که ببینی قمر در آب
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۷)

میر نسبت به سعدی و حافظ از ردیف بهرهٔ کمتری برده است، اما ردیف‌های اسمی در غزل‌های میر فراوان دیده می‌شود، درحالی‌که در غزل سعدی و حافظ ردیف اسمی بسیار کم است؛ زیرا فعل در آخر جمله می‌آید و تغییرندادنش، تاآنجاکه مهارت سخنور اجازه می‌دهد، بر وفق روال طبیعی زبان فارسی است (خرمشاهی، ۱/۱۳۷۱: ۳۳). ردیف‌های غیرفعلی در غزل میر عبارت است از: «دنیا»، «در آب»، «امشب»، «دوست»، «صبح»، «درد»، «عمر»، «مهر»، «اولی‌تر»، «هنوز»، «بس»، «خویش»، «برآتش»، «آتش»، «عشق»، «نمک»، «مشک»، «خیال»، «دهن»، «جان»، «دل» (شش‌غزل با ردیف دل سروده شده)، «گل»، «جمال»، «دل من»، «دلم»، «شام». استفادهٔ فراوان از ردیف‌های اسمی، به‌ویژه ردیف‌هایی چون «آتش» و «نمک»، نشان می‌دهد که میر کرمانی شاعری مضمون‌گرا بوده است. به‌نظر می‌رسد میر کرمانی خواسته است قدرت شاعری و مضمون‌سازی خود را با این ردیف‌های اسمی نشان دهد.

۲. ۱. ۳. موسیقی درونی

در سبک عراقی توجه به بدیع فراوان است. غزل‌های میر کرمانی نیز به سبک عراقی سروده شده است و در آن انواع آرایه‌های بدیعی دیده می‌شود. غزل‌های میر از نظر موسیقی درونی غنی است و انواع جناس و تکرار و موازنه در آن دیده می‌شود. نمونه برای موازنه:

مهر اگر ورزند باری با چنین مه‌پیکری عشق اگر بازند باری با چنین خوش‌منظری
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۳۵۹)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

(نیز ر.ک: همان، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۰،۲۱۱، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۴۹ و...).

کاربرد فراوان موازنه لفظ‌گرایی میر کرمانی را نشان می‌دهد. با خواندن غزل‌های میر، امواج اندیشه و تفکر ذهن را متلاطم نمی‌کند، بلکه قدرت‌نمایی شاعر در بدیع به‌چشم می‌خورد. جناس تام نیز در غزل میر کاربرد فراوان دارد:

ز چین زلف تو خیزد هزار نافهٔ چین ولی چو زلف تو کی نافه‌ای بود چین را
(همان، ۱۹۲)

نمونه‌های دیگر برای جناس تام در واژه‌های شیرین (همان، ۲۰۴)، پریشان (همان، ۳۱)، باران (همان، ۳۱۷)، خط (همان، ۳۳۳)، آب (همان، ۳۶۰)، داد (همان، ۲۲۰)، بالا (همان، ۲۲۷)، باران (همان، ۳۲۸)، بهشت (همان، ۲۴۸) و... . جناس مرکب نیز ازجمله صنایع لفظی است که توجه میر کرمانی را به آرایه‌های لفظی در غزل نشان می‌دهد:

بی‌روی دلارام دل آرام ندارد مسکین دل آن‌کس که دلارام ندارد
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۲)

به‌هیچ‌روی تصور نمی‌توان کردن صبوری از رخ دلبر از آنکه دل بر اوست
(همان، ۲۱۷)

تا کی کشد از درد فراق تو عنا دل وز شوق گل روی تو نالد چو عنا دل
(همان، ۳۰۲)

انواع دیگر جناس نیز در غزل میر به‌وفور دیده می‌شود. کاربرد فراوان جناس در غزل‌های میر از لفظ‌گرایی شاعر نشان دارد.

۲. ۲. سطح زبانی

میر کرمانی بیان شیرینی دارد؛ به‌ویژه در مواردی که چاشنی زبان محاوره را به کلام خود می‌افزاید، شیرینی کلامش دوچندان می‌شود. بیت زیر این نکته را نمایان می‌کند: «کاری نیست» در بیت زیر ایهام دارد (۱. چیزی نیست ۲. خداحافظ). معنای دوم آن «کاری نیست» به‌معنای «خداحافظ» در زبان گفتاری کاربرد دارد:

کس به خوبی تو گفتم نبود در عالم بانگ و فریاد برآورد خرد کاری نیست
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

از نظر سبک‌شناسی نحوی «که موضوع آن چیدمان واژگان و نظم دستوری جمله است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۷)، غزل‌های میر کرمانی چیدمانی طبیعی دارد؛ چنان‌که نظمی طبیعی بر جملات حاکم است. به‌عبارت‌دیگر، اجزای جمله در جای اصلی خود قرار گرفته‌اند؛ برای مثال، در غزل‌های میر «را»ی فکّ اضافه دیده نمی‌شود («را»ی فکّ اضافه سبب دورشدن مضاف از مضاف‌الیه می‌شود). نکتهٔ دیگر آنکه در غزل‌های میر کرمانی حذف ارکان جمله دیده نمی‌شود. بیان این غزل‌ها ساده و روان است، اما به‌ندرت ابیاتی دیده می‌شود که غرق صنعت‌های بیانی شده است:

بی‌سروسامان شود مانند میر ار بگسلد دست از آن مرغولِ آتش‌مسکنِ چون چنگ، دل
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵)

«مرغول آتش‌مسکنِ چون چنگ» گیسوی معشوق است که چهرهٔ آتش‌رنگ معشوق را دربرگرفته و چون چنگ خمیده است. در غزل‌های میر کرمانی چند ویژگی زبانی فراوان به‌چشم می‌خورد:

۲. ۲. ۱. استفادهٔ مکرر از ترکیب‌های وصفی

چشمگیرترین ویژگی زبانی در غزل میر تکرار صفت است. میر کرمانی از ترکیب‌های وصفی فراوان استفاده کرده است. البته، این صفت‌های مکرر از نوع آرایهٔ تنسیق‌الصفات نیست؛ زیرا تنسیق‌الصفات آن است که برای موصوف بیش از دو صفت ذکر شود (داد، ۱۳۸۲: ۱۷۰). تکرار صفت در غزل میر از نوع تکرار یک صفت در غزل‌های متعدد است. تکرار صفت در غزل‌های میر سبب شده تا موصوفی مثل «روی» یا «زلف معشوق» مکرر وصف شود که نتیجهٔ آن تکرار مضمون است و دیگر آنکه برخی از صفت‌ها با بن فعل مشترکی ساخته شده که سبب تکرار فراوان برخی واژه‌ها شده است؛ برای مثال، از بن مضارع فعل افروختن، صفت‌های دل‌افروز، روزافروز، جهان‌افروز، و عالم‌افروز به‌کار رفته است که در این موارد نیز تکرار به‌چشم می‌خورد. در وصف روی معشوق ترکیب‌های وصفی زیر آمده است:

«روی دل‌افروز» (میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۱ و ۲۱۶ و ۲۲۸ و۲۵۷و ۲۵۹ و ۲۶۳ و ۲۸۴و ۲۹۵ و ۳۳۷و ۳۵۰ و ۳۵۳)، «روی دل‌فریب» (همان، ۱۸۷ و ۱۹۷ و ۲۰۳ و ۲۱۱و ۳۲۴ و ۳۴۸)، «روی روزافروز» (همان، ۱۸۷ و ۲۸۶و ۳۰۹)، «روی لاله‌رنگ» (همان، ۱۹۲)، «روی دلربا» (همان، ۲۰۳)، «روی خوب» (همان، ۲۰۴)، «روی جهان‌فروز» (همان، ۲۰۷ و ۲۰۹ و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

۲۲۱و ۲۹۵و ۳۲۵و ۳۲۶ و ۳۲۷)، «روی خجسته‌فال» (همان، ۲۱۲)، «روی جهان‌آرا» (همان، ۲۳۰)، «روی شهرآرا» (همان، ۲۳۷)، «عارض عالم‌فروز» (همان، ۲۱۶)، «طلعت میمون» (همان، ۲۱۶)، «رخ زیبای جهان‌افروز» (همان، ۲۲۷)، «رخ دلبند» (همان، ۱۸۹)، «رخ جان‌بخش» (همان، ۱۹۰)، «رخ جان‌پرور» (همان، ۱۹۲)، «رخ دل‌فریب» (همان، ۱۹۹)، «رخ خورشیدپناه» (همان، ۲۰۰)، «رخ زیبای جهان‌افروز» (همان، ۲۲۷)، «رخ عالم‌افروز» (همان، ۲۲۰ و ۳۰۶)، «رخسار دلربا» (همان، ۲۱۰ و ۲۱۱) «رخسار دلارا» (همان، ۲۲۲)، «رخ روزافروز» (همان، ۲۴۲ و ۲۶۱ و ۲۶۵)، «جمال روزافروز» (همان، ۲۴۸)، «رخ جان‌پرور و روزافروز» (همان، ۲۶۳)، «رخسار روزافروز» (همان، ۲۷۱)، «رخ دلبند» (همان، ۲۷۹)، «رخ دل‌افروز» (همان، ۲۹۱)، «روی جان‌فریب» (همان، ۳۳۷)، «صورت دلبند» (همان، ۱۹۰)، «پیکر زیبا» (همان، ۱۹۰)، «طلعت گیتی‌فروز» (همان، ۱۹۷)، «جمال جهان‌فروز» (همان، ۱۹۸)، «روی روان‌پرور» (همان، ۳۰۱ و ۳۵۴).

در وصف لب و زلف معشوق نیز ترکیب‌های وصفی مکرری آمده است. ازآنجاکه پرکاربردترین مضمون در غزل عاشقانهٔ میر، وصف معشوق است، بسامد وصف معشوق و در نتیجه کاربرد صفت در غزل میر نسبت به غزل سعدی بسیار بیشتر است. کاربرد فراوان صفت در غزل میر فواید بلاغی نیز داشته است. یکی از فواید بلاغی این صفات آن است که اغلب این صفات مانند «دل‌فریب» و «روزافروز» «به‌معنی مجازی و استعاری به‌کار می‌روند و به موصوف نیز رنگ استعارهٔ مکنیه می‌دهند» (فرشیدورد، ۲/۱۳۶۳: ۴۵۴).

میر کرمانی از کاربرد صفت بهرهٔ بلاغی فراوان برده است؛ برای مثال، کاربرد ترکیب‌های وصفی «بالای دلارا» (میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۰)، «مرجان جانفزا» (همان) و مانند آن، سبب واج‌آرایی و ترکیب‌های «ابروی دل‌شکار» (همان، ۱۸۸)، «چشم خونخوار» (همان، ۲۶۸) و «چشم لشکرشکن» (همان، ۲۲۵) سبب استعاره‌سازی و جان‌بخشی در کلام و ترکیب‌هایی چون «روی روزافروز» سبب اغراق در کلام شده است.

مهم‌ترین علت کاربرد فراوان صفت در غزل‌های میر آن است که او شاعری مضمون‌گراست و برای خلق مضمون تازه به کاربرد فراوان صفت متکی شده است. میر به الفاظ و واژه‌ها و کاربرد آن توجه زیادی دارد. دلیل دیگر استفاده از صفت‌های مکرر در غزل‌های میر آن است که او شاعری ایجازگرا نیست و بیان او در توصیف اطناب دارد؛ به‌طوری‌که تمام مصراع با یک

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

جمله و چند صفت پر شده است. در بخش استعاره اشاره خواهد شد که میر کرمانی از استعاره و تلمیح، که ساختشان بر ایجاز بنا نهاده شده، کمتر استفاده کرده است.

۲. ۲. ۲. تعقید لفظی

زبان اغلب غزل‌های میر کرمانی روان و فصیح است، اما در موارد نادری، غزل میر کرمانی دچار تعقید شده است. تعقید در این غزل‌ها از نوع لفظی است. تعقید لفظی آن است که «دشواری و پیچیدگی معنی جمله، از جهت تقدیم و تأخیر، یا حذف کلمات و امثال آن باشد» (همایی، ۱۳۸۸: ۱۸). در بیت زیر، مصراع دوم متممِ فعلِ «بگوی» است و لازم بود به فعل «بگوی» نزدیک باشد. تأخیر آن سبب تعقید شده است:

بگوی تا دل شوریدگان نگه دارد کمند طرهٔ عنبرفشان مشکین را

(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۲)

در مثال زیر نیز ترتیب کلام سبب تعقید شده است. ترتیب اجزای جمله به این شکل بوده است: «رخ تو که بر او ختم گشت زیبایی، از دریچهٔ چشم دلم تماشایی بود».

دل از دریچهٔ چشمم بود تماشایی رخ تو را که بر او ختم گشت زیبایی

(همان، ۳۵۳)

زبان و بیان غزل‌های میر نشان می‌دهد که به‌طورکلی میر کرمانی زبانی روان دارد.

۲. ۳. سطح فکری

مهم‌ترین مضامین غزل عاشقانه عبارت است از: «۱. وصف زیبایی معشوق؛ ۲. ذکر صفات و اخلاق او از قبیل نامهربان‌بودن؛ ۳. وصف حال عاشق از قبیل رنجوری؛ ۴. وصف می و مجالس آن؛ ۵. یاد خاطرات خوش زمان وصال؛ ۶. شکایت از روزگار و حسب‌حال؛ ۷. وصف زیبایی‌های طبیعت از قبیل باغ و بهار و ماه و...» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۶۹). در غزل عاشقانهٔ فارسی، کاربرد سه مضمون اول فراوان است، اما مضامین دیگر نسبتاً کم دیده می‌شود. مضمونی که میر کرمانی بیشتر به آن پرداخته، وصف زیبایی معشوق است و آنچه دیده نمی‌شود یاد خاطرات وصال است. در غزل‌های سعدی، ابیاتی چون «یارب شب دوشین چه مبارک سحری بود» (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۲)، «مرا راحت از زندگی دوش بود» (همان، ۱۷)، «شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی» (همان، ۵۲)، «امشب به‌راستی شب ما روز روشن است» (همان، ۵۳) دیده می‌شود که بر ثبت لحظات و خاطرات دلالت دارد. حافظ نیز غزل‌هایی دارد، چون

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

«در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست» (حافظ، ۱۳۶۲: ۶۲)، «گل در بر و می در کف و معشوق به کام است» (همان، ۱۱۰) که اشاره به لحظات عاشقانه یا شاعرانه (به‌صورت واقعی یا تخیلی) دارد. این موارد در غزل میر کرمانی وجود ندارد؛ به‌عبارت دیگر، مضمون غزل میر بیشتر وصف معشوق است و نه روایت عاشقی و ثبت لحظه‌ها. میر کرمانی نسبت به سعدی و حافظ اشارات بیشتری به زندگی و گذشت عمر دارد و تعبیرهایی چون «برفت عمر» (میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۳۴۰)، «گذشت عمر» (همان، ۲۹۹)، «عمرم کند شتاب» (همان، ۱۹۷)، «دریغ عمر عزیزم که رفت بی‌حاصل» (همان، ۲۹۹) فراوان دارد و به‌همین‌دلیل، «ساقی‌نامه» هم که مضمون غالب آن «غنیمت‌شمردن دم» است در شعر او بیشتر دیده می‌شود. ساقی‌نامه یکی از انواع شعر غنایی است که معمولاً به قالب مثنوی و به بحر متقارب مثمن مقصور یا محذوف است و بیشتر از گذر سریع عمر و ناپایداری دنیا و جفای روزگار سخن می‌رود و خواننده را به اغتنام فرصت و دریافتن دم اندرز می‌دهد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۵۹). ساقی‌نامه به‌طور خاص در قالب مثنوی سروده می‌شود، اما در اغلب قالب‌های شعری ازجمله غزل نیز وارد شده است. در اینجا، نمونه‌ای از ساقی‌نامه در غزل میر ذکر می‌شود:

ساقی دلربا بده، مطرب خوش‌نوا بزن زآن که به خلوت و ورع راه نمی‌برم به در

(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۵)

(و نیز همان، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۵۹، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۵۷).

میر کرمانی در غزل‌های خود از عقل و خردگرایی دم زده است:

معلوم می‌شود که برآید خروش عقل از خاک میر غم‌زده بعد از هزارسال

(همان، ۳۰)

(و نیز ر.ک: همان، ۳۱۳، ۲۰۰، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۵۴، ۳۵۴).

غزل‌های میر کرمانی از نوع غزل عاشقانه است و بیشترین مضمون آن وصف معشوق و ازجمله وصف چهرهٔ معشوق است. ترکیب‌هایی چون «عشق روی» (همان، ۲۱۱)، «عشق صورت» (همان، ۲۱۶) و «عشق رخ» (همان، ۲۸۴) نمایانگر همین مضمون است. در زمینهٔ غزل‌های عاشقانه، به مضمون «نظربازی» نیز پرداخته شده است و بی‌شک، شاعر در این مضمون از سعدی تأثیر پذیرفته است (ر.ک: میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۹، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۴۰

و...)؛ زیرا مضمون نظربازی در غزل سعدی از نظر بسامد و تنوع شیوه‌های اظهار آن جایگاه ویژه‌ای دارد (یعقوبی جنبه‌سرایی، ۱۳۹۲: ۱۲).

اخلاق و رفتار خشونت‌آمیز معشوق در غزل‌های میر، بسیار کمتر از آن چیزی است که در غزل سعدی و حافظ دیده می‌شود. در غزل سعدی، از صفات قهری معشوق چون سنگ‌دلی و بی‌رحمی و خون‌خواری سخن رفته است (یزدان‌پناه و عدنانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). در غزل حافظ نیز معشوق تندخوی و ترش‌رو است و سرِ جنگ دارد (عدالت‌پور، ۱۳۹۳: ۱۶۴). میر کرمانی هم به رسم غزل‌سرایان از نامهربانی معشوق دم زده، اما با لحنی ملایم بدان پرداخته است:

در قید مهر ماهرخی هرکه گشت اسیر گردن نهاد جور و جفای رقیب را

(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶)

رقیب از شخصیت‌های آزاردهندهٔ عاشق در غزل است که در غزل‌های میر حضور ندارد. فقط یک‌بار در غزلیات میر نام رقیب آمده است (درحالی‌که در غزل سعدی و حافظ بیش از ۳۰ بار این واژه آمده است). از محتسب نیز فقط یک‌بار سخن رفته است:

ای محتسب از لذت مستی‌ت خبر نیست زان در نظرت عیب نماید هنر ما

(همان، ۱۹۰)

معشوق در غزل‌های میر کرمانی جایگاه والایی دارد. یکی از نشانه‌های مقام عالی معشوق در غزل‌های او شیوهٔ خطاب معشوق است. میر کرمانی معشوق را با این عنوان‌ها صمیمانه خطاب کرده است: «جانا» (همان، ۱۹۷)، «جان نازنین» (همان، ۲۰۸)، «آرزوی جان» (همان، ۲۰۶ و ۳۲۷)، «آرزوی دل» (همان، ۲۷۷)، «آرام جان» (همان، ۲۶۸)، «نازنین دنیا» و «رحمت الهی» (همان، ۳۶۰)، «روشنایی من» (همان، ۲۱۱)، «غمگسار» (همان، ۲۵۵ و ۲۷۵)، «ای که هم آرزوی جسمی و هم راحت روح» (همان، ۲۰۴)، «ای تازه از امید وصال تو جان عمر» (همان، ۲۷۸). همچنین، میر کرمانی از واژهٔ «جانان» بارها برای خطاب به معشوق استفاده کرده است. «جانان، احترام‌آمیزترین، والاترین و مقدس‌ترین واژه‌ای است که برای معشوق به‌کار رفته است؛ ازاین‌رو، در ادب عرفانی، که معشوق آسمانی و والاست، کاربرد قابل‌توجهی دارد. اصطلاح جانان بیشتر دربارهٔ معشوق آسمانی به‌کار می‌رود و اگر دربارهٔ معشوق زمینی هم باشد، مضمون و مفهوم آن متعالی است» (احمدی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۵). میر کرمانی از واژهٔ «جانان» بهرهٔ بسیار

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

گرفته است. ۳۵ درصد از خطاب‌های میر به معشوق با لفظ «جانان» است، درحالی‌که در غزل سعدی فقط ۵ درصد و در غزل حافظ ۱۰ درصد خطاب‌های معشوق با لفظ «جانان» است.

گفته شده که میر کرمانی، غزل عارفانه را به سبک عماد فقیه و عراقی سروده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۰۹). بررسی غزل‌های میر نشان می‌دهد که غزل‌های عرفانی میر دو تفاوت عمده با غزل‌های عماد فقیه و عراقی دارد: ۱. مضامین عرفانی در شعر میر کمتر از دو شاعر دیگر است؛ ۲. سبک غزل‌های عرفانی عراقی و عماد فقیه با میر کرمانی متفاوت است. غزل عرفانی میر لحن پرسوز و گداز عرفانی در غزل قلندرانه را ندارد، اما در غزل عراقی و عماد کرمانی، ابیات عرفانی تب‌وتاب بیشتری دارد؛ چنان‌که ابیات رندانه‌ای چون «**دیدی چو من خرابی افتاده در خرابات**» (عراقی، ۱۳۶۸: ۹۲) یا «**رخ سوی خرابات نهادیم دگربار**» (همان، ۱۵۰) در غزل‌های میر دیده نمی‌شود، یا تعابیر قلندرانهٔ عماد فقیه، چون: «**مجلس عام است و یار عارف و قلاش**» (عماد کرمانی، ۱۳۴۸: ۱۸۶)، «**مستی از میخانه‌ای آمد برون**» (همان، ۲۴۰)، با این لحن در غزل میر وجود ندارد. میر کرمانی به رسم غزل‌سرایان اشاراتی عرفانی در شعرش دارد، در حدی که معلوم می‌شود در آن غزل معشوق زمینی نیست. دو مضمون پرکاربرد در غزل‌های شبه‌عرفانی میر کرمانی، ابیات رندانه در مخالفت با زاهد و فقیه متعصب و ابیاتی با مضمون ساقی‌نامه است. زاهدستیزی در غزل میر، زاهدستیزی حافظ را به یاد می‌آورد، اما لحن آن به‌هیچ‌وجه تندی و تیزی اشعار حافظ را ندارد:

مرا به وعظ فقیه احتیاج نیست که عشق زبان حال گشوده‌ست و می‌دهد پندم

(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۲)

(و نیز ر.ک: ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۵،۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۸ و...)

میر کرمانی غزل‌هایی نیز دارد که در آن مضامین رندانه و شبه‌قلندرانه دیده می‌شود و نکات تعلیمی را به‌سادگی بیان کرده است. در این موارد مضمون چندان قوی به‌نظر نمی‌رسد:

چه خوش باشد میان رند و اوباش نشستن با سبک‌روحان قلّاش
می صافی به چنگ و چنگ در پیش به مستی کرده خود را در جهان فاش
چرا در بند نام و ننگ باشی برو از زمرهٔ آزادگان باش

(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۹۳)

برخی از نکات تعلیمی که در فضای غزل‌های عاشقانهٔ میر دیده می‌شود از نوع حکمت عامیانه است:

**عشق پنهان باختن خاصیتی دارد که دل		ایمن است از گفت‌وگوی دشمنان و دوستان**
(همان، ۳۳۵)

**آن را که آفتاب سعادت نمود روی		مهر تو در طبیعت و عشق تو عادت است**
(همان، ۲۰۸)

ازآنجاکه میرکرمانی غزل‌سرای معنی‌گرایی نیست، فکر و اندیشهٔ شاعر در غزل‌های او برجستگی ندارد؛ به‌طوری‌که معلوم نمی‌شود پایه‌های اندیشهٔ شاعر چیست. نکات عاشقانهٔ تازه‌ای دیده نمی‌شود، ویژگی‌های معشوق چشمگیر نیست، و معشوق صلابت و عظمت و جذبهٔ لازم را ندارد. ویژگی‌های عاشق ازجمله ناله و زاری و اظهار عجز و درماندگی عاشقانه نیز چندان پررنگ نیست و به‌طورکلی جدال عاشق و معشوق محسوس نیست.

۲. ٤. سطح ادبی

غزل میر کرمانی از نظر سطح ادبی شبیه غزل‌های خواجوی کرمانی است. خواجو به ایهام، جناس و مراعات نظیر توجه بسیار داشته است (زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۸۶). میر کرمانی نیز از ایهام و جناس در غزل‌های خود بهرهٔ بسیار برده و خود بدان اشاره کرده است:

**به صنعت، شعر میر از سحر بگذشت		که سر تا پای تجنیس است و ایهام**
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۸)

ایهام از مهم‌ترین مباحث بدیع است. اغلب سخنوران برجسته به انواع مختلف ایهام توجه داشته‌اند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۳۱). میر کرمانی نیز مانند اغلب شاعران قرن هشتم به این مبحث پرداخته است:

**لبت که در دل اهل زمانه شور انداخت		چه جای شکّر شیرین که جان شیرین است**
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۴)

**ایمن است از شهرخ ایام بازی سپهر		با رخت هر دل که شطرنج محبت باخته است**
(همان، ۲۹)

میر کرمانی گاه سطح ادبی ابیات را تا شعر مصنوع پیش می‌برد؛ چنان‌که در بیت زیر با اصطلاحات شطرنج صنعت‌آفرینی کرده است: «شاه»، «عرصه»، «رخ»، و «پیاده»: مراعات‌نظیر؛ «عرصه»، «جمال» و «رخ»: تشبیه؛ «پیاده»: ایهام؛ «مهر»: ایهام؛ «شاه فلک»: استعاره.

**شاه فلک که ماه ز مهرش گرفت نور		در عرصهٔ جمال رخت یک پیاده است**
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

پردلی چون هندوی زلفت ندیدم در جهان کز دلیری سایبان بر آب و آذر می‌زند
(همان، ۲۶۷)

در غزل میر، صورخیال تازگی چندانی ندارد؛ تشبیه‌ها اغلب تکراری به‌نظر می‌رسد، اما اضافه-های تشبیهی میر گاه تازه‌اند. اضافهٔ تشبیهی «شخص غم» و اضافهٔ استعاری «لب جانم» در ابیات زیر درخور توجه است:

آماده دارد از جگر میر شخص غم بر خوان عشق روی تو دایم کباب‌ها
(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۵)

خندان شود چو پسته لب جانم از نشاط روزی اگر مراد دلم زان دهان دهی
(همان، ۳۴۵)

نمونه‌های دیگری از اضافهٔ تشبیهی: «سکهٔ درست محبت» (همان، ۱۸۶)، «گنج‌نامهٔ حسن» (همان، ۱۹۱)، «بهشت حرص» (همان، ۱۹۲)، «گل عشق‌روی» (همان، ۱۹۵)، «می مهر» (همان، ۲۲۰)، «جوهری عقل» (همان، ۲۵۱)، «سلطان عشق» (همان، ۲۵۳)، «یوسف دل» (همان، ۲۵۴)، «طبیب عقل» (همان، ۲۵۴)، «کتابخانهٔ حسن»، «شام خطت»، «صبح رخت» (همان، ۲۹۵)، «نمکدان لب» (همان، ۲۹۷)، «بازیگر خیال» (همان، ۳۰۰)، «چمن دل» (همان، ۳۰۱)، «جویبار حسن» (همان، ۳۲۴)، «دردی درد» (همان، ۳۲۷)، «سبزهٔ محبت» (همان، ۲۲۰). تشبیه تفضیل نیز در غزل میر فراوان است:

مگر گذر نکنی سوی بوستان ورنی عرق ز برگ گل و نسترن فروریزد
(همان، ۲۵۴)

لعل جانبخش تو تا قیمت یاقوت شکست هر نفس آتش غم در دل کان افتاده است
(همان، ۲۲۵)

جدول ۳. بسامد تشبیه در ۱۰۰ غزل از میر کرمانی

اضافهٔ تشبیهی	تشبیه مضمر	تشبیه تفضیل	تشبیه بلیغ اسنادی	تشبیه غیربلیغ (مرسل یا مفصل)	تشبیه ملفوف
۸۹	۴۲	۶۱	۳۴	۲۸	۱۱

«در شعر غنایی، مجازها و انواع استعاره شیوع دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۸۸)، اما در غزل‌های میر استعاره رونقی ندارد، درحالی‌که خواجوی کرمانی در استفاده از استعارهٔ مصرحه مقام والایی دارد (آقاحسینی و نیکبخت، ۱۳۹۰: ۲۱). در جدول ۴، میزان کاربرد استعارهٔ مصرحه در غزل میر با غزل سعدی، خواجو و حافظ مقایسه شده است (آمار استعارهٔ مصرحه در غزل سعدی، خواجو و حافظ از منبع اخیر نقل شده است).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

جدول ۴. مقایسهٔ کاربرد استعارهٔ مصرحه

نام شاعر	تعداد غزل	میزان استفاده از استعارهٔ مصرحه
سعدی	۶۸	۹۰
خواجو	۸۱	۲۲۹
حافظ	۴۹	۱۲۱
میر کرمانی	۱۰۰	۷۸

جدول ۴، نشان می‌دهد که میر کرمانی از استعارهٔ مصرحه کمتر از شاعران هم‌دورهٔ خود استفاده کرده است. افزون‌براین، تنوعی هم در استعاره‌های میر کرمانی دیده نمی‌شود؛ چنان‌که در یکصد غزل از میر کرمانی، ۷۸ استعاره به‌کار رفته است و از این تعداد حدود ۹۳ درصد استعارات دربارهٔ معشوق و اجزا و اندام معشوق است. برای مثال، در این یکصد غزل، ۲۶ بار «لعل» استعاره از لب معشوق است.

بدیع نیز در شعر میر جلوه‌ای دارد. در بخش بدیع لفظی، انواع جناس و تکرار و در بخش بدیع معنوی، اغراق، مراعات‌نظیر، تضاد، تناقض، ایهام، لف‌ونشر و حسن تعلیل فراوان دیده می‌شود. حتی، گاه ابیاتی مصنوع و سرشار از آرایه در غزل میر به‌چشم می‌خورد، چنان‌که در بیت زیر آرایه‌های تضاد، تناقض، لف‌ونشر و عکس دیده می‌شود:

عاقلان را سهل و مشکل ترک جانان است و جان عاشقان را مشکل آسان است و آسان مشکل است

(میر کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۲۹)

لف‌ونشر نیز ازجمله آرایه‌های پرکاربرد در غزل میر است:

تا ز فراق تو شدم ناتوان اشک و رخم دانهٔ نار است و به

(همان، ۳۴۳)

(و نیز ر.ک: ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۳، ۲۱۴، ۲۱۵ و...).

تلمیح در غزل میر تنوع چندانی ندارد و به همین موارد محدود است: «وامق و عذرا» (همان، ۱۹۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۹۴ و ۲۹۶ و ۳۴۸)، «قارون» (همان، ۱۹۱)، «لیلی و مجنون» (همان، ۱۹۲ و ۲۱۶ و ۲۲۳ و ۲۳۹ و ۲۴۳ و ۲۶۵ و ۲۶۹و ۳۳۱ و ۳۴۷)، «شیرین و فرهاد» (همان، ۱۹۴ و ۲۰۱ و ۲۲۰ و ۲۲۶و ۲۴۰ و ۲۴۴ و ۲۶۰ و ۲۶۸ و ۲۹۱ و ۳۰۵ و ۳۳۴)، «الست» (همان، ۲۱۳)، «افلاطون» (همان، ۲۲۳)، «خسرو و شیرین» و «سلیمان» (همان، ۱۸۱ و ۲۴۵ و ۲۵۰ و ۲۶۷، ۱۹۳)، «آدم» و «بهشت» (همان، ۲۴۵)، «یوسف» (همان، ۲۴۵ و ۲۷۰ و ۳۱۶ و ۳۳۶ و ۳۴۱و ۳۴۲)، «بیژن و افراسیاب و رستم» (همان، ۲۴۵)، «خضر»

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

(همان، ۲۶۰)، «تجلی و طور» (همان، ۲۸۱)، «ایوب» (همان، ۳۳۲)، «منّ و سلوی» (همان، ۳۴۷)، «سلمی» (۳۴۹).

بررسی سطح ادبی غزل میر نشان می‌دهد که میر در سطح ادبی به بدیع لفظی، ازجمله انواع جناس و موازنه، توجه بیشتری داشته است، اما تلمیح که از انواع بدیع معنوی است در غزل میر کرمانی کمتر دیده می‌شود. میر کرمانی غزل‌سرای استعاره‌سازی هم نیست. استعاره در غزل‌های میر کرمانی نه فراوان است و نه تازه. به‌نظر می‌رسد دلیل کم‌کاربردبودن استعاره و تلمیح در غزل‌های میر این است که این شاعر کرمانی اهل ایجاز نیست، درحالی‌که تلمیح از شیوه‌های ایجاز شمرده شده است (توکلی، ۱۳۹۲: ۸) و استعاره نیز تشبیه موجز است. کاربرد فراوان صفت‌های مکرر نیز بر این نکته دلالت دارد.

۳. نتیجه‌گیری

میر کرمانی از شاعران قرن هشتم است که در غزل از سعدی تأثیر پذیرفته و شباهت‌هایی میان غزل او و غزل حافظ دیده می‌شود. غزل میر کرمانی ویژگی‌های زیر را دارد:

در سطح آوایی: وزن‌های به‌کاررفته در غزل میر شبیه اوزانی است که غزل‌سرایان نیمهٔ اول قرن هشتم به‌کار گرفته‌اند، اما میر بیش از سعدی و حافظ به دو وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» پرداخته است تا با آهنگ ملایم این دو وزن به توصیف‌های عاشقانه بپردازد. موسیقی ردیف در غزل‌های میر درخور به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا ۴۲ درصد غزل‌های میر بی‌ردیف است. کاربرد ردیف‌هایی چون «نمک»، «در آب»، «مشک» و سرودن پنج غزل با ردیف «دل» نشان می‌دهد که میر مانند خواجوی کرمانی به مضمون‌آفرینی توجه فراوان داشته است. موسیقی درونی غزل میر غنی است؛ انواع جناس و نیز موازنه در بیشتر غزل‌ها وجود دارد.

در سطح زبانی: غزل میر کرمانی زبانی ساده و دل‌نشین دارد. کاربرد صفت‌های بیانی در آن چشمگیر است، به‌اندازه‌ای که وجود فراوان ترکیب‌های وصفی که گاه تکراری نیز هست از ویژگی‌های منحصربه‌فرد زبان غزل میر است. در غزل میر گاه الگوی ساخت جمله به الگوی زبان عامیانه نزدیک می‌شود و گاه تعقیدهای لفظی در غزل میر به‌چشم می‌خورد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

در سطح فکری: درون‌مایهٔ غزل میر عاشقانه است. ابیات عاشقانه یک‌نواخت به‌نظر می‌رسد و فراز و فرودی در درون‌مایه احساس نمی‌شود؛ زیرا میر به ثبت لحظه‌های عاشقانه (خواه واقعی و خواه تخیلی) نپرداخته است و روایت عاشقانه، چنان‌که در غزل سعدی دیده می‌شود، در غزل میر وجود ندارد. در میان غزل‌های عاشقانه، ابیات تعلیمی نیز وجود دارد. میر کرمانی از گذر عمر فراوان سخن گفته و به همین مناسبت به اغتنام فرصت نیز اشاره کرده است. یکی از مضامین پرکاربرد در غزل میر ساقی‌نامه است که در آن از غنیمت‌شمردن عمر سخن می‌رود. معشوق در غزل میر جایگاه والایی دارد. یکی از نشانه‌های مقام عالی معشوق، شیوهٔ خطاب‌کردن معشوق است. عاشق (شاعر) معشوق را با الفاظ احترام‌آمیز مخاطب ساخته است. لفظ «جانان» خطاب به معشوق در غزل میر کاربرد فراوان یافته است.

سطح ادبی: همان‌طور که میر کرمانی در مقطع غزلش اشاره کرده، به تجنیس و ایهام توجه داشته است. از میان صور خیال، میر بیشتر به تشبیه پرداخته است. اضافه‌های تشبیهی کم‌کاربرد (و تازه) به‌ندرت در شعر او دیده می‌شود. تشبیه تفضیل نیز در غزل میر فراوان است. استعاره و تلمیح نیز در غزل میر کم است. یکی از ویژگی‌های استعاره و تلمیح ایجازِ آن است و میرکرمانی شاعری اهل ایجاز در سخن نیست.

منابع

آقاحسینی، حسین، و عباس نیکبخت (۱۳۹۰) «جایگاه استعاره در غزل سبک عراقی». *ادب و زبان*. شمارهٔ ۳۰ (پیاپی ۲۷): ۱-۲۹.

احمدی‌پور اناری، زهره (۱۳۹۳) «بررسی نام‌های معشوق در غزل». *شعرپژوهی*. سال ششم. شمارهٔ ۳ (پیاپی ۲۱): ۱-۲۰.

بشری، جواد (۱۳۸۸) «اشعار نویافته از میر کرمانی». *فهرست گزارش میراث*. شمارهٔ ۳۶ : ۳۰ـ۴۱.

توکلی، حمیدرضا (۱۳۹۲) «حافظ و آشنایی‌زدایی در قلمرو تلمیح». *مطالعات بلاغی*. سال چهارم. شمارهٔ ۷: ۷-۲۶.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲) *دیوان حافظ*. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.

خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۱) *حافظ‌نامه*. جلد اول. تهران: علمی-فرهنگی و سروش.

خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۷۲) «مقدمه». در: *دیوان غزلیات سعدی*. تهران: مهتاب.

خواجوی کرمانی، محمودبن‌علی (۱۳۸۹) *دیوان غزلیات خواجوی کرمانی*. چاپ ششم. به‌کوشش حمید مظهری. کرمان: خدمات فرهنگی کرمان. مرکز کرمان‌شناسی.
داد، سیما (۱۳۸۲) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
دولتشاه سمرقندی (۱۳۳۸) *تذکرةالشعراء*. به‌همت محمد رمضانی. تهران: چاپخانهٔ خاور.
دهرامی، مهدی (۱۳۹۴) «نقش‌های هنری صفت در ایجاد زبان ادبی، تصویرسازی و کیفیت عاطفه و اندیشه در شعر شاملو». *زیبایی‌شناسی ادبی*. سال دوازدهم. شمارهٔ ۲۳: ۱۹-۳۸.
زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۳) *سیری در شعر فارسی*. چاپ پنجم. تهران: سخن.
سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۷۲) *دیوان غزلیات*. به‌کوشش خلیل خطیب‌رهبر. تهران: مهتاب.
سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵) *غزل‌های سعدی*. به‌تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: سخن.
شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰) *موسیقی شعر*. چاپ سوم. تهران: آگاه.
شمیسا، سیروس (۱۳۷۰) *سیر غزل در شعر فارسی*. چاپ سوم. تهران: فردوس.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) *نگاهی تازه به بدیع*. چاپ چهاردهم. تهران: فردوس.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) *انواع ادبی*. چاپ دهم. تهران: فردوس.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۵) *سبک‌شناسی شعر*. ویراست دوم. تهران: میترا.
صبور، داریوش (۱۳۸۴) *آفاق غزل فارسی: سیر انتقادی در تحول غزل و تغزل از آغاز تا امروز*. تهران: زوار.
صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸) *تاریخ ادبیات در ایران* (جلد سوم، بخش دوم). تهران: فردوس.
صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) *تاریخ ادبیات در ایران* (جلد سوم، بخش اول). تهران: فردوس.
عدالت‌پور، هادی (۱۳۹۳) «جلوه‌های ناز معشوق در شعر حافظ». *شعرپژوهی*. سال ششم. شمارهٔ ۴ (پیاپی ۲۲): ۱۵۳-۱۷۰.
فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۵) *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. چاپ سوم. تهران: سخن.
فرزاد، مسعود (۱۳۵۰) «عروض حافظ». *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران*. سال هجدهم. شمارهٔ ۱: ۲۰۱- ۲۱۷.
فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳) *دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی*. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.
قنبری ننیز، وحید (۱۳۹۷) «مقدمه». در: *کلیات میر کرمانی*. تهران: سخن.
عراقی، فخرالدین ابراهیم (۱۳۶۸) *دیوان عراقی*. تهران: جاویدان.
عماد کرمانی (۱۳۴۸) *دیوان قصاید و غزلیات*. به‌تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: ابن‌سینا.
مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۵۵) *تحول شعر فارسی*. تهران: کتابخانهٔ طهوری.
میرافضلی، علی (۱۳۸۶) *شاعران قدیم کرمان*. تهران: کازرونیه.
میر کرمانی (۱۳۹۷) *کلیات میر کرمانی*. به‌کوشش وحید قنبری ننیز. تهران: سخن.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۳۷) *تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل*. تهران: دانشگاه تهران.

نفیسی، سعید (۱۳۶۳) *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*. چاپ دوم. تهران: فروغی.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۷) *وزن و قافیهٔ شعر فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۸) *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: هما.

یزدان‌پناه، مهرعلی و روجا عدنانی (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی جلوهٔ معشوق در غزلیات خاقانی و سعدی». *درّ دری*. سال دوم. شمارهٔ ۲: ۹۵-۱۰۶.

یعقوبی جنبه‌سرایی، پارسا و زهرا ابطحی (۱۳۹۲) «سطوح تعلیق و تثبیت معنای نظربازی در نگاه عارفانهٔ غزل سعدی». *ادب‌پژوهی*. شمارهٔ ۲۶: ۹-۲۴.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-07-22]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1400.9.20.1.1]
[DOI: 10.52547/jls.9.20.2]